ماشاء الله لا قوة الا بالله
شرح فارسی
حزب البحر
در مطبع نظامی واقع کانپور مطبوع گردید

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العلمین والصلوة والسلام علی
سید المرسلین وعلی آله واصحابه اجمعین
وعلی من حذا فی تبعه الی یوم الدین بعد ازان
میگوید احقر العبید رضی الدین ابو الخیر محمد عبد المجید عامله الله
بلطفه المدید کاین احقر اخذ کرده طریقه خواندن حزب البحر
واجازت اعمال آن را از سند المفسرین زبدة العلماء الربانیین
الفائق بالعلم والفضل فی الآفاق مولانا الحاج محمد اسحق
ادام الله فیوضاته علی المستفیدین الی یوم الدین وایشان
اخذ کردند از جناب اکابر زمان شیخین از جد مادری خود مولانا

شاہ عبد العزیز دہلوی و ثانیاً از قاضی ثناء اللہ نقشبندی
مجددی پانی پتی کہ در اعمال حزب البحر عامل کامل بودند و از
عرصہ سی سال وظیفہ خویش میداشتند و او شان یعنی
قاضی صاحب موصوف اخذ کردند از مظہر فیوض الٰہی و مطلع
انوار نامتناہی مستغنیان شمس الدین حبیب اللہ حضرت مظہر مرزا جانجانان
رحمہ اللہ ظلال ارشادہ علی رؤس الطالبین و ادام برکاتہ الی
یوم الدین پس بدانکہ این حزب در اصل منسوب است
بشیخ عظیم القدر ابو الحسن شاذلی و باید دانست کہ این
کنیت شان است و نام شان علی بن عبد اللہ است و وفات
شان در سال ششصد و پنجاہ و شش است قبر شان در
ملک عرب در صحرا بدانکہ ثقات نقل کردہ اند کہ شیخ ابو الحسن
شاذلی در جبال قاہرہ بود ایام حج نزدیک رسیدہ بود در آن حالت
یاران خود را فرمود کہ از جانب غیب اشارہ رفتہ است تا آنکہ

امسال حج کنا نیم مرکبی طلب کنید یاران هر چند طلب کردند
نیافتند الا مرکب پیرے نصرانی بہمان مرکب سوار شدند
چون بادبان بر داشتند دار معارات تا ہرہ گذشتند
باد مخالف وزیدن گرفت و یک جمعہ نزدیک قاہرہ بودیم که
جبال قاہرہ بنظر می آمد توقف افتاد منکران زبان طعن کشادند
که شیخ میگوید مرا اشارہ حج شدہ است و وقت نزدیک رسیدہ
و ما اینجا در باد مخالف افتادہ ایم شیخ بشنیدن این کلام و قلق شد
اتفاقاً و تیاول بعد که باید عالم گشت چون بیدار شد
این دعا خواندن گرفت و رئیس مرکب را فرمود بحول و برکت الله
تعالی بادبان بر دار گفت اگر بر دارم ہمین ساعت بادبان
مرکب ابتا ہرہ باز رساند شیخ فرمود بردار و عجیب صنع
الٰہی را تماشا کن آخر کار بادبان بر داشت پس باد موافق
بقوتی شروع شد که رسن کشتی را ہیچ نتوانستند کشاد

بنگر که به بیند و بهشت تمام معاینت و پسر بقصد مبارک
رسید و پسر النا پسر نصرانی مسلمان شدند و آن پسر نصرانی شبانگاه
بخواب دید که شیخ با جماعت ظلیمه بهشت میبرد و پسر آن
نصرانی را بیرون خواست کرد بی اشاره و ملائکه خبر کردند که تو
اهل این نیستی صبح آن نصرانی هم مسلمان شد و رفته رفته صاحب
مقامات عالی گشت و اهل آن ناحیه با و نصرت می جستند انتهی
در شهور سنه یکهزار و هشتاد و هشت هجری فقیر را مواضع
از مصنفات حضرت شیخ ولی الله قدس الله سره
که شرح حزب البحر تصنیف فرموده اند بنظر در آمد شیخ
اسناد اجازت خود بسند عالی و صحیح نوشته است ـ
حَيْثُ قَالَ شَافَهَنِي بِإِجَازَةِ حِزْبِ الْبَحْرِ شَيْخُنَا
أَبُو طَاهِرٍ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْكُرْدِيُّ الْمَدَنِيُّ
قَالَ قَرَأْتُ حِزْبَ الْبَحْرِ عَلَى الشَّيْخِ أَحْمَدَ
النَّخْلِيِّ

وَأَجَازَنِي بِهِ وَحَقِّ رِوَايَتِهِ وَأَجَازَتِهِ عَلَى شَيْخِهِ
الشَّيْخِ عِيسَى الْمَغْرِبِي وَهُوَ أَخَذَ عَنْ أَبِي الصَّلَاحِ
عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْوَاحِدِ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ
أَحْمَدَ الْمَقَّرِيِّ عَنْ عَمِّهِ سَعِيدِ بْنِ أَحْمَدَ الْمَقَّرِيِّ
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَلِيلِ التَّنَسِيِّ
عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْفَضْلِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ
مَرْزُوقٍ الْحَفِيدِ عَنْ أَبِي الطَّيِّبِ بْنِ عَلْوَانَ
التُّونُسِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْبَطَرْنِيِّ عَنْ أَبِيهِ
أَبِي الْعَزَائِمِ مَاضِي بْنِ سُلْطَانَ خَادِمِ الشَّيْخِ
أَبِي الْحَسَنِ الشَّاذِلِيِّ عَنِ الشَّيْخِ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ
ابْنِ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ الشَّاذِلِيِّ وَأَيْضًا
أَخَذَ الشَّيْخُ أَحْمَدُ النَّخْلِيُّ عَنِ الشَّيْخِ مُحَمَّدٍ الْبَابِلِيِّ
عَنِ الشَّيْخِ سَالِمٍ السَّنْهُورِيِّ عَنِ النَّجْمِ الْغَيْطِيِّ

عَنْ شَيْخِ الإِسْلَامِ زَكَرِيَّا عَنِ العِزِّ عَبْدِ الرَّحِيْمِ
ابْنِ الفُرَاتِ عَنِ التَّاجِ عَبْدِ الوَهَّابِ بْنِ عَلِيٍّ السُّبْكِيِّ
عَنْ وَالِدِهِ التَّقِيِّ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الكَافِي السُّبْكِيِّ عَنِ الشَّيْخِ ابْنِ
عَطَاءِ اللّٰهِ عَنِ الإِمَامِ الشَّيْخِ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ المُرْسِيِّ عَنْ أَبِي الحَسَنِ
الشَّيْخِ عَلِيٍّ الشَّاذِلِيِّ ونیز حضرت شاہ ولی اللہ قدس سرہ
نوشتہ است کہ فقیر را در حزب البحر اسنادی دیگر ہست
سوای این اسناد کہ قائم کردند این فقیر را در مقام شیخ ابو الحسن
شاذلی و تجلی کہ قبلہ ہمت شیخ بود متوجہ ساختند و بہ نسبت
شیخ متلبس کردہ بمزاج او برآوردند و حزب البحر را بمنزلہ
کنزی ساختند برای مشاہدہ صنع اعلی شعر تلقیتہ منی
وعنی اخذتہ ٭ ونفسی کانت فی عطاء محمد نبی
پس بیکدفعہ علوم بسیاری از کردہ مشہود گشتہ و در وقت
تحریر ہر چہ محفوظ ماند نوشت غرضکہ شیخ قدس سرہ

در سواطع علوم بسیار که بروی نازل شده بود در فواید بشمار
بقید قلم کرد ولیکن چون تمام آن علوم درخور فهم و استماع عامه
مومنان نبود واکثری درخور فهم بود وغرضی معتد به هر یک
بدان تعلق نداشته لهذا این فقیر از ان کتاب فوائدی
که بهر خاص و عام نفع رساند التقاط نموده درین اوراق نوشته
و هر که خواهد که بر تمامه آن علوم و معارف اطلاع حاصل کند
به سواطع حضرت شیخ قدس سره رجوع نماید والمسئول
من الله التوفیق فائده شیخ در سواطع عاشره از مقدمه نوشته
که معنی دعوت ملکیه آنست که داعی متشبه شود بملائکه سفلی که
درمیان آسمان و زمین تصرف میکنند و داعیه مراد بخاطر گیرد
بوجهیکه مناسب است بدواعی ملکیه بوجهیکه مناسب است
بدواعی بهائم و دواعیه ملکیه را تقویت کند بتلاوت اسما و آیات
که بطریق تقول دلالت کند بر نعت آن داعیه بالجمله آنچه

در شریعت امر کرده اند بروز جمعه از غسل و لبس ثیاب حسن
و استعمال طیب و تکبیر سر که شعبه ایست از سکنات یا ستقف
و درود و مشغول بودن و نماز نفل گذاردن و نیز جمعه با جماعت
و خطبه گذاردن از قبیل تشبه بملائکه است و نیز نوشته
که این فقیر را معلوم شده که در وقت اول طلوع صبح صادق
تا اسفار مقابل صبح نشستن و چشم را بآن نور دوختن
و یا نفی و اثبات هزار بار گفتن کیفیت ملکیه را قوت میدهد و اماتت
نفس امی میشاید و تبری از فضول ثلاثه و اختیار اغذیه لطیفه
بول و براز و شهوت
سبک میسر میشود و باز احادیث نفس دور بودن و خطره جماع
در خاطر نگذرانیدن تشبه بملائکه را پرورش میدهد و از اوقات
اجابت نصف لیل و وقت طلوع صبح تا برآمدن آفتاب
و وقت زوال شمس و وقت غروب و اوقات عشره اخیره رمضان
و ساعت موعوده جمعه و لیلة البراة و شب عرفه اختیار کردن

وبعض اهل دعوت اوقات مجربه را اعتبار کرده اند ومختار
همان است که اول گفتیم واز هیئات ثمار خوش مزه ودرختان
ثمره دار حاضر کردن بسعادت مشتری مناسب است وحبوب
نباتی بسعادت زهره قریب است ودخان مقبره‌های قدیم
و پر طیور وحشی مثل کرکس بزحل نزدیک است خون غدد وجلود
سباع ولحوم فحول بهائم بمریخ متواخی فائده شیخ [illegible]
حادی عشر از مقدمه نوشته که بعض خواص حزب البحر این فقیر
بنور توفیق دریافته و بیان طریق استعمال آن بر وجه کلی
حکم حزب البحر را اکثر اعمال تصریفیه جاریست اما طریقه اخص آنست
که بعد سه فقره ذکر مناسب حاجت اوست بعد از آن تقویت
کن بتاثیر آن حضور بتصور مراد خود ضمن تلاوت آن فقره هر بار که این فقره
بخواند همان صورت در خاطر گذراند و تکرار آن فقره تکرار آن کلمه
کند مثلا دو بار یا هفت بار یا سه بار هر قدر که نفس او منشرح شود

دا آیتی یا اسمیکہ مناسب اوست ہمراہ او تلاوت کند و مکرر کند
تلاوت آن آیت یا اسم را بعدد آن حرف را بآخر رساند
و باکی نیست اگر ببعض مواضع تنبیہ کنم پس یٰسٓ تا دیلحو
معین است بحفظ فہم و صحت تا اثر زد رسا درس و وساوس
و یحیین نسألک العصمة تعیین فوائد دارد ولقد حق
القول الی ظلمہ حجاب است از عیون ظلمہ و یحیین
بسم اللہ بابنا تا محفوظ و ایضاً لقد حق القول برائے
اسکات اعدا و اضرار ایشان مفید است و یحیین و اطعمہ
الی یرجعون و تسخیر ملوک و امرا و غلبہ و رعب و کشاد
بستہ کہ تدبیر آن بنظر نمی آید و مرض صعب کہ علاج آن میسر
نشود و فتینا الی ملکوت کل شیء و طلب
نفقۃ الغیب و طلب کشف اسرار آئندہ و طلب انواع کرامات
مثل اشراف بر خواطر و مشی علی الماء و غیر آن در ضمن لما

الی قدیر و آیتی که مناسب نفقة الغیب است اللّٰهم
ربنا انزل علینا مائدة من السماء الآیة برای ابن
حاجات و کفایت مهمات در اللّٰهم یسّر لنا امورنا الخ
و تالیف زوجین متناشزین و متخاصمین در صبغة البحرین
یلتقیان و اگر کسی مغلوب حال باشد که حفظ آداب شرع
باشغال منتشر شود همین آیت را اکثار کند و برای گریختن و جعلنا
من بین ایدیهم سدا الی یبصرون و اسکات اهل صوت
در لفظ حم عسق لا ینطقون و حرز از آفات و زوال و
غلامان در بسم اللّٰه بابنا و برای دفع چشم زخم و سحر
و مهمات اهل حرم در سر العرش و طلب علم لدنیه در
حم تنزیل الکتب و دفع سموم و اوجاع در بسم اللّٰه
الذی لا یضر و الیه دفع روت و رجعت و سن جدید و دفع فقر
و افلاس در لا حول و لا قوة و برای معموری باغ و خانه

و بهر چه ازین قبیل باشد و اَنْتَهی تا لیکن و دشمن باید نوشت

و برای حفظ اسعد و اقمشه فَاللّٰهُ خَیْرٌ حٰفِظًا انشا

کند و نقش الغیب الخ و برای وَرَبِّیَ اللّٰهُ جو بد و دو مرغ

بجز و بخوان حَسْبِیَ اللّٰهُ کافی است برای [illegible] و یار ابن [illegible]

تدبیر خاک بگیرد و شش خشتی بیاورد و بر یک جانب بنویسد

شَاهَتِ الْوُجُوْهُ وَعَنَتِ الْوُجُوْهُ لِلْحَیِّ الْقَیُّوْمِ وَقَدْ

خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا و بر جانب دیگر بنویسد وَلَوْ نَشَآءُ

لَطَمَسْنَا الی یَرْجِعُوْنَ و در آن خانه اندازد و برای

شر دشمن اعدا همین آیت [illegible] و جانب دیگر بنویسد و بحفظ

الیکم بست بید همچنین دشمن الصرا برای هیبت در قلوب [illegible]

حٰمٓ حٰمٓ حٰمٓ لَا یُنْصَرُوْنَ در بهترین ساعتی نوشته

بر عضد خود بندد و برای درد زه هفت بار و [illegible] آنا کرد

کند بعد از آن اِذَا السَّمَآءُ انْشَقَّتْ وَاَذِنَتْ لِرَبِّهَا

وَحُقَّتْ وَاِذَا الْاَرْضُ مُدَّتْ وَاَلْقَتْ مَا فِيْهَا
وَتَخَلَّتْ سه بار خواند وبر ان زن دم کند وبآسمی عنین هشت بار
وهب لنا وتمد بار یا قوی الغرض این مبحث بغایت طویل الذیل
است کلام جزئی و ان موقوف بر ذهن سامع میگذاریم
ونیز شیخ قدس سره نوشته که من تعجب میکنم ازکسیکه در اول
و آخر حزب البحر اعتصام و اختتام میخوانند و از جهت کسر قوت
بعض حروف جلالیه ادعیه جمالیه میخوانند نمیدانند که شیخ از جهت
اتباع علم خود همه این مراتب را خود رعایت کرده است
ابتدا میکند از یا علی یا عظیم و اختتام می نماید بر
حَسْبِيَ اللّٰهُ وَبِسْمِ اللّٰهِ الَّذِيْ لَا يَضُرُّ وَلَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ تو بجنب هر کلمه جلالی دو چند آن کلمه
جمالی می آرد **اقول** لیکن این فقیر را از طریقه حضرت
قاضی منارا مد ظله تعالیٰ اعتصام و اختتام هم رسیده است

وخواندن این آیات قرآنی کہ ذکر کرده شد البتہ شفیع تر خواهد بود
حین دعا تحت سر خواند قوله تعالی و اذا جاءک الذین یؤمنون
الی انا الناس المتقین وقوله تعالی ثم انزل علیکم من
بعد الغم امنة نعاسا وقوله تعالی محمد رسول الله
والذین معه اشداء ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز
س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن
و ہ یا رب سہل و یسر ولا تعسر علینا یا رب
بسم الله الرحمن الرحیم یا علی یا عظیم یا حلیم
یا علیم انت ربی و علمک حسبی فنعم الرب
ربی و نعم الحسب حسبی تنصر من تشاء و
انت العزیز الرحیم فائده کلمه علمک حسبی در
روایت است کہ حضرت خلیل الله علیه السلام را وقت القاء
نمرود لعین در آتش جبرئیل علیه السلام گفت کہ حسبی

دعای حفظ از بلا

عن سؤال ملحیحانی ترجمہ ای بلند مرتبہ ای بزرگ تو۔

ای بردبار ای دانا بی اسرار تو پروردگار منی و علم تو

باحوال من کفایت کنندہ است پس نیک پروردگار است

پروردگار من و نیک کفایت کنندہ است کفایت کنندہ من

نفرت میدہی ہرکرا میخواہی و تو غالب مہربانی فائدہ اگر بادشاہی

یا رئیسی خواہد کہ رعیت با او موافقت کنند و مخالف نشوند۔

و با او محبت کنند و بروفق شرع و عقل کارہا بظہور آید و نتائج

کارہای او را از غیب بسازد باید کہ برین فقرہ مواظبت کند

نسألک العصمۃ فی الحرکات و السکنات و الکلمات

و الارادات و الخطرات من الظنون و الشکوک

و الاوہام الساترۃ للقلوب عن مطالعۃ الغیوب

ترجمہ میطلبیم از تو نگاہداشتن نفوس خود در جمیع حرکات

و سکنات کہ از جوارح ما پیدا شود و از جمیع

ستمها که از زبان ابا آمده و بر جمیع داعیها و خطرها که در ضمیر
حادث گردد از زحمت اعتقادات فاسده و از مزاحمت
ترددات و اوهام کرمی پوشد و ما را باز داشت آنها را از دیدن
علوم غیبیه و تدبیر با حکمت که در غیب مقرر است و عوام آنرا
نمی بینند و نمی دانند فائده شخصی که از حال نیک بحال بد
افتاده باشد مثل تبذیر و فسق و لهو یا حزنی و غمی وارد یا مدت
نفس او را پراگنده دل کرده باشد این فقره بغایت مناسب است او
اکثار تلاوت این فقره او را ازین بلاها خلاص کند فقد

ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُوْنَ وَزُلْزِلُوْا زِلْزَالًا شَدِيْدًا ۝ وَ
إِذْ يَقُوْلُ الْمُنَافِقُوْنَ وَالَّذِيْنَ فِيْ قُلُوْبِهِمْ
مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗٓ إِلَّا غُرُوْرًا ۝

ترجمه باین سبب سوال عصمت میکنیم که هر آئینه امتحان
عظیم پیش آمده است مسلمانان را و جنبانیده شده اند

فائده خلاصی از فسق و لهو

جنبانیدن سخت و سوال عصمت میکنید در انوقت که میگفتند
منافقان و آنانکه در دلهای ایشان بیماریست وعده نداده
ما را خدا و رسول او مگر فریب دادن فائده فاء در فتنکبرا
سببیه است و وقوع مردم در بلا و تشنیع آن بلا سبب
سوال عصمت میتواند شد لهذا شیخ سجاوندی هنالک در قرآن
بود کلمه فقد آورده و عطف واو بر معنی کلام متقدم است
چراکه وقت ابتلای مومنان و انکار کافران وقت است
مر سوال عصمت را و اذ که موضوع است برای وقت
بجای سبب ذکر کرده میشود فائده نزول این آیة
در قصه احزاب بود که کفار محاصره کردند و پیغمبر علیه السلام
بخندق متحصن گشت و رسد منقطع شد و منافقان
زبان طعن کشادند نصرت الهی در رسید ریحی که موجب
تشویش حال کافران تقویت مومنان بود وزیدن گرفت

وآن مصیبت دفع شد شیخ بتبرک آیه کرد و حسن الظن

باینجه تحویل حال خود بحال آن سر امیدوار گشت

فائده دفع خطرات

فائده و شخصی را که حزن دل وی را گیرد یا خاطر با حادیث نفس

و هجوم خطرات باشد این فقره را با فقره تسالک بخواند

و اکثار کند دفع شود و اگر شخصی یا رئیسی را که دوستان او را

یا دشمنان او را در شان او گفتگو شود برای دفع این خلل

این فقره را با فقره فثبتنا و انصرنا و سخر لنا هذا البحر بخواند و

مبالغه کند در خواندن و وقت تلفظ ثا تشدیدا صورت

دوستان و مقالات ایشان یاد کند و اشاره رد و ابطال

بدست نماید و وقت تلفظ واذ یقول المنافقون تا غرورا

صورت دشمنان و مجادلات آنها مستحضر سازد و اشاره رد و

ابطال کند فَثَبِّتْنَا وَانْصُرْنَا وَسَخِّرْ لَنَا هٰذَا الْبَحْرَ کَمَا

سَخَّرْتَ الْبَحْرَ لِمُوسٰی عَلَیْهِ السَّلَامُ وَسَخَّرْتَ

النار لابراهيم عليه السلام وسخرت الجبال
والحديد لداود عليه السلام وسخرت الريح
والشياطين والجن لسليمان عليه السلام
وسخرت البراق والثقلين لسيدنا محمد عليه الصلوة
والسلام وسخر لنا كل شيء مولك في الارض
والسماء في الملك والملكوت وسخر الدنيا
وسخر الاخرة وسخر لنا كل شيء يا من بيده
ملكوت كل شيء حسبه پس ای کبریا و ارباره و مسخر گردان برای ما این سرا
چنانچه مسخر ساختی دریا برای موسیٰ و مسخر ساختی آتش برای ابراہیم
و مسخر ساختی کوهها و آهن برای داؤد و مسخر ساختی باد و دیوان و
پریان را برای سلیمان علیه السلام و مسخر ساختی براق و جن و انس برای
سردار ما محمد صلی الله علیه وآله وسلم و مسخر گردان برای ما
هر دریا که بملک تست و در تصرف تست در زمین

و آسمان و دریا عالم ملک و عالم ملکوت و دریای دنیا را و دریای آخرت را و مسخر گردان برابا هر چیز را ای که بدست قدرت اوست فرمان روائی همه چیز فائده بر خبیب بعد از الهام قصه دریا بود آنچه جایز است که مراد از بحر نشاۀ کلیه که مشتمل بر افراد مختلف الآثار باشد یا کار که موقوف بر افعال بسیار باشد اراده کنند لهذا در آخر لفظ کل بحر و بحر الدنیا و بحر الآخرة آورده فائده داعی را باید که وقت تلفظ سخر لنا هذا البحر همان مراد را بخاطر گذراند مرض باشد یا کار بسته یا حرب بین القومین در تعین حرب وقتیکه اطبا از معالجه مرض در مانند و وقتیکه چنان کار بسته شود که تدبیر آن نیابد از کثرت تلاوت این فقره لطیفه غیبی پیش آید که مخرج برآمد و کشادگی کار میسر شود فائده تسخیر بحر الدنیا عبارت از آنست که تشاء دنیا از هم

فائده بعضی از مشائخ چنین ... اند

مؤثر اعلیٰ اثر پذیرد تا سعادت دنیویہ مثل کثرت اموال
و اولاد و اتباع و اصحاب و طول عمر و انس خاطر و اطمینان نفس
و تیسیر امور معاشی بوجود آید و تسخیر بحر الآخرة عبارت
ازان است کہ عبادات این شخص علی وجہ التمام در صحیفۂ
اعمال او ثبت شود و مجعلی آن ناقص نسازد و در جریدۂ طیبہ
از علیین در صورت این عمل در آید و آنرا ممنوعی و بدنفعی الرحمت
تیر جہنا کما یرنی احاکم نا عوہ کھیعص حمعسق انصرنا فانک
خیر الناصرین ۝ وافتح لنا فانک خیر الفاتحین ۝
واغفر لنا فانک خیر الغافرین ۝ وارحمنا فانک
خیر الرحمین ۝ وارزقنا فانک خیر الرازقین ۝
واحفظنا فانک خیر الحافظین ۝ واهدنا
ونجنا من القوم الظلمین ۝ ترجمہ یاری دہ مارا زیرا کہ
تو بہترین یاری دہندگانی و بکشای کارہای بستۂ ما زیرا کہ

تو بهترین کشایندگانی و بیاور ما را زیرا که تو بهترین آرندگانی
و مهربانی کن بر ما زیرا که تو بهترین مهربانانی و روزی ده ما را
زیرا که تو بهترین روزی دهندگانی و نگاهدار ما را زیرا که
تو بهترین نگاهبانانی و راه نما ما را و خلاص کن ما را از دست
ستمگاران فائده در باب حسن نبات اشجار و زروع
و تخم تکسیر باید کرد و بر لوح خشب بخط جلی باید نوشت
و در اعلی مواضع از باغ و کشت می باید گذاشت و برای
ثمر درخت معین بر برگ آن بعصاره ثمر آن باید نوشت
و برای جمال و قبول و فرح شخص بمشک و گلاب بر کاغذ
نوشته بر سر او باید بست و اگر زن باشد بر همین صفت مخمس
(این مخمس بمشک و گلاب ۱۲)
باید نوشت از النصر تا ارزقنا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ
رِیحًا طَیِّبَةً کَمَا هِیَ فِیْ عِلْمِكَ وَ انْشُرْهَا عَلَیْنَا مِنْ
خَزَائِنِ رَحْمَتِكَ وَ احْمِلْنَا بِهَا حَمْلَ الْكَرَامَةِ مَعَ

فائده برای عزت
دربار شاهان

السلامة والعافية في الدين والدنيا والآخرة
إنك على كل شيء قدير ترجمه و ببخش برای ما از
نزدیک خود یادی خوش ببخشی که در علم تست و پراگنده
سازی آنرا از خزینه های رحمت خود و بر دار ما را با آن یاد
خوش بر داشتنی که سبب بزرگی باشد با سلامت و عافیت
در دین و دنیا و آخرت هرآینه تو بر هر چیز توانائی فائده
هر چند سبب انشاء این دعا میخواهد که مراد از ریح همین باد
متعارف باشد اما ممکن است که بحسب باطن و عام مراد
باشد از آن تائید عالم غیب و سرایت الهامات ملاء اعلی و عالم
شهادت بجهت رفع این شخص در خاطر او یا در خاطر دیگران
برای او و در آمدن قوت مثال در عالم شهادت و برکات
عالم روح و نسمه علماً و عملاً تا علوم اشراف بر خواطر و اسرار
(یعنی بوی لطیف ۱۲)
بر قلب او گشتن و واقعات آینده منکشف گردد و نتیجه اعمال شاقه

مطلوب باشد چهار دہ بار یا وہاب بخواند و سہ بار دعای
حضرت عیسیٰ علیہ السلام اَللّٰھُمَّ رَبَّنَآ اَنْزِلْ عَلَیْنَا مَآئِدَۃً
مِّنَ السَّمَآءِ تَکُوْنُ لَنَا عِیْدًا لِّاَوَّلِنَا وَاٰخِرِنَا وَ
اٰیَۃً مِّنْکَ وَارْزُقْنَا وَاَنْتَ خَیْرُ الرّٰزِقِیْنَ خواند
و اگر فراست و اشراف مطلوب است چهار دہ بار
یَا عَلِیْمُ یَا مُبِیْنُ یَا خَبِیْرُ و سہ بار وَنُنَزِّلُ
مِنَ الْقُرْاٰنِ مَا ھُوَ شِفَآءٌ وَّرَحْمَۃٌ لِّلْمُؤْمِنِیْنَ بخواند
و اگر ظہور آثار دعا و حق منظور باشد چهار بار یَا مُجِیْبُ
خواند بعد ازان سہ بار وَیَسْتَجِیْبُ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا
وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَیَزِیْدُھُمْ مِّنْ فَضْلِہٖ وَالْکٰفِرُوْنَ
لَھُمْ عَذَابٌ شَدِیْدٌ الآیۃ اَللّٰھُمَّ یَسِّرْ لَنَا اُمُوْرَنَا
مَعَ الرَّاحَۃِ لِقُلُوْبِنَا وَاَبْدَانِنَا وَالسَّلَامَۃِ
وَالْعَافِیَۃِ فِیْ دِیْنِنَا وَدُنْیَانَا وَکُنْ لَنَا صَاحِبًا

فِي سَفَرِنَا وَخَلِيفَةً فِي أَهْلِنَا وَاطْمِسْ عَلَى وُجُوهِ أَعْدَائِنَا وَامْسَخْهُمْ عَلَى مَكَانَتِهِمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ الْمُضِيَّ وَلَا الْمَجِيءَ إِلَيْنَا وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَى أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَى مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ ترجمه بار خدایا اهل گردان برای ما کارهای ما را با راحت در دلهای ما و ایمان ما و با سلامت و عافیت در دین ما و دنیای ما و باشی برای ما همنشین در سفر ما و جانشین در اهل خانهٔ ما و محو صورت فرود آر بر روی دشمنان ما و بگردان صورت ایشان را یعنی متغیر الاحوال گردان بر جای ایشان تا نتوانند گذشتن از مقام خود بجانب دیگر و نه آمدن بجانب ما بعد از آن شیخ تلاوت کرد و آیت ا

ولو نشاء لطمسنا الخ یعنی اگر خواهیم محو کرده داریم چشمهای ایشان
پس بشتابند طلب کنند راه را پس از کجا ببینند و اگر خواهیم صورت
بگردانیم ایشان را در جای ایشان پس نتوانند از جای خود گذشتن
و بازگردیدن و این دو آیت دلالت میکنند بر صفتی از صفات حق تعالی
پس تلاوت کردن این دو آیت درین مقام برای آنست که تماشا
میکنانند بدین صفت فائده این فقره صالح آنست که داعی را از غیب
در مطلوب و حوائج آسانی پیدا آید و حوله شرح در کار بی شیشه
ازان ختم یکهزار و یکبار بخواند و اگر در مجلسی از مسائل دینی یا در تفسیر
از قرآن یا مسائل حدیث واقع شود و حق بجانب داعی باشد و خصم بحجت
زبانی و دلیری غلبه میکند سه بار شاهت الوجوه علی وجوه اعدائنا الی
لا یرجعون بخواند و بجانب خصم نف کند تا ابکم خصم شود و آیت
والقرآن الحکیم انک لمن المرسلین علی صراط مستقیم تنزیل
العزیز الرحیم لتنذر قوما ما انذر آباؤهم فهم غافلون د

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ إِنَّا جَعَلْنَا فِي
أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ
أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ
شَاهَتِ الْوُجُوهُ وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا

ترجمه قسم بقرآن مشتمل حکمت که هر آئینه تو از پیغمبرانی بر راه راستی
قرآن فرود آورده شده از جانب خدای غالب مهربان
تا بترسانی جماعتی را که ترسانیده نشدند پدران ایشان پس
ایشان غافلانند یعنی قریش را بترسانی که در میان ایشان
رسول مبعوث نشده است هر آئینه واجب شده وعده
عذاب بر بیشترین ایشان پس ایشان ایمان نمی آرند هر آئینه
ما ساخته ایم در گردنهای ایشان طوقها پس آن طوقها رسیده است
بزنخدان ایشان پس این جماعت سر بالا کنندگانند و ساخته ایم
پیش روی ایشان حجابی و پس روی ایشان حجابی پس کرده

پوشانید دایم ایشان را پس ایشان هیچ نمی بینند ناخوش
و بد شکل شدند این روباه رسوا و خوار شدند روباه پیش غدای
زند و تدبیر عالم کنند و بمطالب نرسیده هرکه برداشت
خاطر را فایده و علما تفسیر گفته اند که آیه انا جعلنا فی اعناقهم اغلالا
و جعلنا من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا تمثیل است
برای یاس ایشان از انتفاع بآیات قرآن عظیم مثل ختم
الله علی قلوبهم و ازین اقوال و اعمال تعبیر تفیه ذهن
انتقال میکند بر تصرف قهری حق تعالی بر منکران و مخالفان
و بستن دست و پا و معطل ساختن ایشان از دیدن و آمد و
رفت و سعی در مصالح خویش باین علاقه ازین آیات سلسله
جنبان قهر الهی میشود فایده اگر شخصی بر جنی یا بر کیفیتی
که مانع استقامت نفس باشد مثل خوف و غضب و حقد
و حسد و تشویش در امور معاش مبتلا شود [illegible]

این شش آیت تا نا قلوب و بشود و دم کند و اگر عالمی یا قاضی
یا شخصی خواهد که پس و قضای او بشش مستقیم نماید این شش
آیات را در شمن خود بسته با خود دارد و بعد هر نماز تلاوت
این آیات را لازم گیرد و اگر شخصی خواهد که از میان اهل
بگریزد و اعدا او را نه بینند و متعرض حال او نشوند لقد
حق القول تا لا یبصرون ق ن. خواند و بر سنگریزه دم کند
و بجانب آنها بیندازد یا بجانب ایشان فشاند و اگر غلام
کسی گریخته باشد و خواهد که او را تسخیر سازد و این آیات را
تلاوت نماید یا نام غلام بر ورقی نویسد و در جائی که او آنجا
شب می ماند بیاویزد و یا در دیگی نهد و سر او را به موم
گیرد و در جائیکه آمد و رفت کسی نباشد یا در مقبرهٔ کهنه
دفن کند و اگر شخصی بغیر حق خصومت کند این آیات با
شاهت الوجوه و ظلما هفت بار بخواند و بجانب او

دفن کند یا بر جانماز او بنویسد و در مقبرهٔ کهنه یا صحرای
غیر معمور دفن نماید یا بر سفال پارهٔ کهنه که از مقبره گرفته باشد
بخواند با جملهٔ اول آیات تا نما فاعون صورت شمالیه آن
بسعادت مشتری مناسبت‌ها و آخر آیتها تا ظلام بنحوست
زحل مناسب است و در جمیع اعمال مشتری و زحل این فقره را
کار بستوان فرمود فائده علماء خواص چون اسما و آیات
جلالیه تلاوت میکنند همه وزن آن کلمات جمالیه میخوانند
تا نفس و اعمی پیش از بدعو علیه اثر پذیر نشود لهذا اینجا این آیات
جمالیه با جلالیه جمع کرد طسم طس طسم حمعسق
مرج البحرین یلتقیان بینهما برزخ لا یبغیان ترجمه
رها کرد دو دریا در حالتی که باهم ملاقات میکنند درمیان
شان حجاب است یکی بر دیگری تعدی نمیکنند فائده
درین آیت ذکر آیتی است بر کمال قدرت الهی و صفت مهربانی

او تعالی فائده و این فقره صالح آنست که درمیان دو جیش
اگر تشاجر واقع شود باید و شریک در معامله باشد و کسی از
اعوان پادشاه و مانند آن با هم تشاجر کنند تسکین آن فقره
نماید و حل اسباب تسکین آن فتنه شود حم حم حم
حم حم حم حم حم امر کاسر و جاء النصر
فعلینا لا ینصرون ترجمه گرم گردد شد
و لشکر یاری حق تعالی بسبب حم با منصور شوند و دشمنان را
دگر گرم شدن کار کنایه است از رونق یافتن فائده
در حدیث آمده است که آنحضرت علیه السلام در بعض
غزوات شعار صحابه ساختند کلمه حم لا ینصرون را و فرمود
که اگر اعدا شبخون زنند باین کلمه متکلم باید شد انجا چون
شیخ و آنست که حم با غلبه احبا و مغلوبیت اعدا مناسبت
است پس اینجا کلمه را برای صد حم نصرت اعدا و کفایت

از عداوت تکرار میکند هفت بار که این کلمه در قرآن عظیم
در هفت سورت آمده فائده این فقره در اسکات اعدا
و طلب جاه و حشمت پیش امرا موثر است هفت بار
خوانده بجانب آن مردم دم کند یا بر هفت سنگریزه
دم کرده بجانب ایشان بیندازد حٰمٓ تَنْزِيلُ الْكِتٰبِ
مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ
التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلٰهَ
إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ ترجمہ فرو فرستادن قرآن
از جانب خدای غالب و داناست آمرزنده گناه
و پذیرنده توبه سخت عقاب کننده صاحب فراخی
(یعنی کثرت مال و زیادت قدرت) نیست هیچ معبود مگر
وی سوی اوست بازگشت فائده این آیة شریفه
مثل آیة الکرسی جامع صفات الٰهیه که مؤثر است در کفایت

مہمات و حفظ از مکروہات نیز اکہ درین آیۃ یازدہ اسم
از اسماء حسنیٰ اوست مانند هُوَ اللّٰهُ عَزِيْزٌ عَلِيْمٌ مُّنْزِلُ
الْكِتَابِ غَافِرِ الذَّنْبِ قَابِلِ التَّوْبِ شَدِيْدِ
الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيْرُ
فائدہ اکثار تلاوت این آیت نافع باشد از مکاید شیطان
واز سحر و چشم زخم و مانند آن و وسیلہ باشد برای استمطار
جود الٰہی و کفایت مہمات و توسیع رزق و رفع صیت
و عظمت و جاہ مانند آیۃ الکرسی چنانچہ در حدیث صحیح
آمدہ من قرأ حٰم المؤمن الی الیہ المصیر و آیۃ الکرسی
حین یصبح حفظ بہما حتی یمسی و من قرأ بہما حین یمسی حفظ
بہما حتی یصبح رواہ الترمذی عن ابی ہریرۃ رضی اللہ عنہ
بسم اللہ بابنا تبارک حیطاننا یس سقفنا کھیعص
کفایتنا حمعسق حمایتنا ترجمہ بسم اللہ در وازہ ما ست

وسورهٔ تبارک دیوارهای ماست وسورهٔ یٰسٓ
سقف خانهٔ ماست وکلمهٔ کٓهٰیٰعٓصٓ کفایت مهمات ماست
وکلمهٔ حٰمٓ عٓسٓقٓ حمایت ماست از آفات فائده این فقره
حصاریست بلیغ برای دفع شر مفسدان محسوسین چون حضرات
دزدان وشیاطین وظالمان وداعی را باید که وقت خواندن
آن صورت احاطهٔ نور قرآن در خیال خود دارد ودو دست
را گرد خود بگرداند یا بعصا خطی کشد گرداگرد خود
واگر پیش ظالمی رود بخواند کٓهٰیٰعٓصٓ ومقارن هر حرفی انگشتی
از دست راست قبض کند وبگوید کفایتنا باز بخواند
حٰمٓ عٓسٓقٓ وبا هر حرفی انگشتی از دست چپ قبض نماید
وبگوید حمایتنا بعد از آن چون مقابل آن ظالم رود
هر دو دست بکشاید وبجانب او نفخ زند
فسیکفیکهم الله وهو السمیع

الْعَلِيمُ ترجمه پس کفایت خواهد کرد ترا خدای تعالی
از شر مخالفان و او ست شنوا و دانا فایده نزول این آیت
برای بشارت آنحضرت علیه السلام است با آنکه خدای تعالی
با وی سلوک خواهد کرد از کفایت شر اعدا و اظهار دین او
فایده این آیت انفع اشیاست در طلب کفایت از
شر اعدا اگر داعی ذو حظ از نماز است بطریق صلوة التسبیح
این آیت در چهار رکعت سه صد بار بخواند یا در دو رکعت
در هر رکعت پنجاه بار و اگر ذو حظ از ذکر است یکهزار و یکبار
هر روز ختم بخواند تا هفت روز و اگر میسر نشود بعد
از اسم کافی یکصد و یازده بار بخواند سِتْرُ الْعَرْشِ
مَسْبُولٌ عَلَيْنَا وَعَيْنُ اللهِ نَاظِرَةٌ إِلَيْنَا
بِحَوْلِ اللهِ لَا يُقْدَرُ عَلَيْنَا وَاللهُ مِنْ وَرَائِهِمْ
مُحِيطٌ بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ

ترجمہ پردۂ عرش فروہشتہ است بر ما و مراد از پردۂ عرش
خود عرش است و چشم عنایت خدا بینندہ است بسوی ما
بمدد خدا قدرت یافتہ نخواہد شد بر ما بعد ازان شیخ تلاوت
کردہ کریمہ وَاللّٰهُ مِنْ وَّرَآئِهِمْ مُّحِيْطٌ الآیۃ یعنی خدا از جانب
خلف ایشان بایشان احاطہ کنندہ است بلکہ این کتاب
قرآن است باعظمت در لوح محفوظ نوشتہ است
فائدہ اینجا طلب است بصیغہ مخبر بنا بر حسن رجا و قبول
فائدہ این فقرہ حصاریست بلیغ برای حفاظت از مضرت
غیر محسوس چون مضرت چشم زخم و سحر و آسیب جن و بھوت
لحظہ بدکہ باشد فَاللّٰهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَّهُوَ اَرْحَمُ الرّٰحِمِيْنَ
ترجمہ پس خدا تعالی بہتر است از روی نگاہبان بودن
و او مہربان ترین مہربانان است فائدہ این کلمہ ایست
کہ این را یعقوب علیہ السلام وقت سپردن بنیامین

برادر حقیقی یوسف علیہ السلام بہ برادران علاتی بعد گرفتن عہود و تحلیف کردانند بنا بر توکل علی شد بعد رعایت اسباب فاتحه این کلمه بلفظ سببی در باب حفظ اگر شخصے خواہد که متاع او از کرم یا از دزدان محفوظ باشد در ظرف آن را نگیر کند یا بر کاغذ یا بر سفال پاره و آن را در متاع نگاہدارد و اگر در راه خوف قطاع الطریق یا دزدان باشد یا ظالمے قصد ظلم بر وی کند اگر در نماز ملاوت بیشتر دارد و در نماز بطور صلوٰۃ التسبیح بخواند و اگر در ذکر لذتی دارد یکہزار و یکبار ختم این کلمه کند اگر خواہد یکہفته ہر روز ہمین ختم کند در بهترین ساعتی مثل نصف شب یا وقت زوال یا بعد عصر یا پیش از طلوع آفتاب إِنَّ وَلِيِّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ ترجمه ہر آئینه کارساز من خداست آنکه فرود آورده است قرآن را

واد کارسازی میکند نیکو کارد ن فائدہ این آیت تاثیر بلیغ
وارد در نفقة الغیب وتحصیل نظام سنی ومنزلی دائمی
ملازم بماز این را بعد صلوة التسبیح سیصد بار بخوانند و ملازم
بذکر بعد از اسم وکیل چہل وشش بار بعد ہر نماز بخوانند
حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ
رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ ترجمہ کفایت کنندہ من خداست
نیست ہیچ معبود مگر او بروی توکل کردم و او پروردگار
عرش بزرگ است فائدہ علیہ توکلت خبر است بمعنی
انشائی صفت توکل و اعتماد فائدہ شیخ ابوالحسن در
خواص حسبنا اللہ ونعم الوکیل رسالہ نوشتہ مسمی
بالسر الجلیل فی خواص حسبنا اللہ ونعم الوکیل در انجا
در خواص این کلمہ طریق تمسک بآن کتابت و تلاوة
استقصا نمودہ وہر چہ در حسبنا اللہ ونعم الوکیل است در حسبی اللہ

لا اله الا هو الحی است بکلمه بهتر و مبارک تر از آن با جمله این کلمه برای
حفظ از مضار و طلب نفقة الغیب و کفایت مهمات و نصرت
بر اعدا کیمیایی ست عجیب التاثیر و ترکیب آن چنان است
هر حاجتی که داشته باشد بشمار عدد اسم مناسب آن حاجت
٩٩٨
آن را بخوانند مثلاً برای حفظ از مضار بعدد حفیظ بخوانند و برای
٣٠٨
طلب نفقة الغیب بعدد رزاق و برای کفایت مهمات
١١١ ٣٤١
بعدد کافی و برای نصرت بر اعدا بعدد ناصر و علی
هذا القیاس بالجمله بعدد هر اسمی که مناسب بحاجتی باشد
بآن موثر است بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء
فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم ترجمه
تبرک میگیرم بنام خدا که ضرر نمیکند با نام وی چیزی از مضار
در زمین و نه در آسمان و اوست شنوا و دانا فائده در این
دعائیست که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده هر که

صبح و شام سه بار آنرا گوید ضرر نرساند او را چیزی از مضرات
ارضی و سماوی **فائده** مضرات ارضی مثل سباع و هوام
و سموم و سحر و مانند آن و مضرات سماوی مانند نحوست ستارگان
و آسیب جن **فائده** این دعا تاثیر بلیغ دارد در حبس
هر ضرر از ضرر و مثل سباع (بالکسر ۱۲) و هوام و آب سرد به نسبت مبرود
و آب گرم به نسبت محرور و در دوائی و غذائیکه مضر باشد طبعا
یا باعتبار عین (یعنی چشم بد) بد وی یا سرد دهی و او جباع و اورام و مانند
آن و شخص بدخو که از وی خوف و حاجت دارد وی را باید که (یعنی دشمنی و عداوت ۱۲)
این دعا سه بار یا هفت بار بخواند و بر آنکه از وی می‌ترسد
دم کند یا بجانب او نفث کند و اگر حاضر نباشد صورت او را
در خیال حاضر سازد و به نیت او بکار خواند **و** لا حول
و لا قوة الا بالله العلی العظیم ترجمه و طاقت بازگشتن
نیست و توانائی کار کردن نیست الا به مدد خدای بلند بزرگ

تعلق داشت احتمال باک نیست که بعض طرق دعوت
حزب البحر که بعض مشایخ آنرا در کتب دعوت نوشته اند
حکایت کنیم تا متعلقات حزب البحر باهم احاطه کرده باشیم
فائده جمعی از اہل دعوت گفته اند که ہرکه خواهد حزب البحر
عامل شود اول به نیت ادای نصاب با ترک جلالی و جمالی
و اعتکاف روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه دارد
و ہر روز بعد غسل و یگدوگانه یکصد و بست بار بخواند یا دوازده (۱۲)
روز بایام افزونی نور ماه ہر روز سی (۳۰) بار بخواند بهر دو تقدیر
مبلغ عدد بسیصد و شصت میرسد فقیر گوید عفا الله عنه
این عدد را برای آن اختیار کرده اند که درجات شمس
سیصد و شصت (۳۶۰) است در سه مثلث یا در ضمن دوازده
برج والله اعلم اگر پادشاهی خواهد که او را بیان رساند و یا در
موضعی باشد که درندگان غالب بود هشت بار این حزب را

خواند و بر دست نفث کند و دست بر تمام اعضا فرود
آرد اگر شخصی بکاری درمانده باشد باید که در مقام خالی صفا
بعد غسل دو رکعت نماز بگذارد و بعد از سلام هفت بار یا
بار بخواند برای محبت دوازده بار یا هفت بار خوانده
بر گلاب بدمد چون برسد لنا رسد هفتاد بار بگوید
یحبونهم کحب الله والذین آمنوا اشد حبا لله
و بعد از آن بگوید هذا و بدا محبت فلان بن فلان در دل
فلان بن فلان پدید آر و سه روز بهمین ترتیب بخواند هرگاه
آنشخص مقابل آورد و قدری از گلاب بر کف خود مالیده
بر روی خود فرود آرد اگر انتقام از دشمن منظور باشد
تا دوازده روز هر روز سی مرتبه بخواند چون آیه واطمس علی
وجوه اعدائنا بشاهت الوجوه بر سر هفتاد بار بگوید یا قاهر
ذا البطش الشدید الذی لا یطاق انتقامه بعد از آن بگوید

خداوندا فلان را بقهر خود مبتلا گردان و چشم و گوش و زبان او را
بسته ساز تفخیم گوید یعنی شخصی که دشمنی در دین
داشته باشد برای او شاهت الوجوه مناسب تر است
و شخصی که دشمنی او از جهت امور دنیا باشد و اطمس برای او
لائق تر است برای شفای مریض دوازده روز هر روز
دوازده بار بخواند چون بسم الله الذی لایضر بر سید
هفتاد بار بخواند و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین
یا شافی شفا بخش فلان را و بجهت تسخیر سلاطین و امرا دوازده
روز دوازده بار بخواند چون بیا من بیده ملکوت
کل شیء [illegible] هفتاد بار بخواند یا عزیز بعد از ان بگوید عزیز گردان
مرا در چشم فلان بن فلان بسیار زان سه بار انا انزلنه
بخواند بعد اتمام دعوت هرگاه بنشانند او زود این حزب را
یکبار بخواند و بجهت ایمنی راه و سلامتی سفر قبل از انکه

مسافر شود سه روز با صوم و شرائط دعوت سیر روزه و ازده
بار بخواند چون بر لقد سمع الله لا یعقد علینا برسد
هفتاد بار یا حفیظ احفظنی من جمیع البلیات
یا ارحم الراحمین بخواند بعد ازان در وقت روان
شدن و فرود آمدن و محل خوف یکبار بخواند باشد بجهت
شفا کشتی پیش از آنکه سوار شود سه روز هر روز هفده
بار بخواند چون سخر لنا هذا البحر برسد هفتاد بار یا حفیظ
احفظنی من جمیع البلیات یا ارحم الراحمین بخواند و بگوید
خداوندا خود را و مال و اسباب و رفیقان خود را بتو امانت
میسپارم بخیریت بساحل برسان بعد ازان در کشتی هر
پنج وقت نماز این حزب را یکبار در دخو و سافر و اگر طوفان
بیاید تا آن زمان که طوفان فرو نشیند میخوانده باشد
و بجهت توانگری تا سه روز هر روز بیست بار بخواند چون

بار انشر علینا من خزائن رحمتک هفتاد بار
یا غنی اغننی و یا رزاق ارزقنی رزقا طیبا
واسعا بغیر حساب بخواند هر روز هفت دیگر
را نان و شیرینی بوسع خود بدهد تا ابواب فتوح بروی
کشاده گردد و جهت ادای قرض تا ۳ روز هر روز
پانزده بار بخواند چون بانصر تا برسد هفتاد بار بگوید
اللهم اکفنی بحلالک عن حرامک واغننی
بفضلک عمن سواک وبطاعتک عن معصیتک
و بجهت کشایش بخت دختران بر آب باران یا آب چاه
که شب کشیده باشند تا ۳ روز هر روز ۳۱ بار بخواند چون
بر هب لنا من لدنک الخ برسد یا فتاح ۴۸۹ بعدد جمل بخواند
بعد از آن بآن آب دست و پای او شسته آب را بجای
پاک اندازد که پای کسی بر آن نرسد و یقال فی وجه

العدو في الحرب حم لا ينصرون وقد
كان رسول الله صلى الله عليه وسلم
يقولها في بعض غزواته ويامر بها اصحابه
وكان شبيب بن مسلمة يستحب اذا لقي
العدو ان يقول لا حول ولا قوة الا بالله
العلي العظيم وروي عن النبي صلى الله
عليه وسلم انه قال من قال كل يوم لا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم مائة مرة لم
يصبه فقر ابدا وعن ابي موسى الاشعري
قال له النبي صلى الله عليه وسلم الا ادلك
على كنز من كنوز الجنة قال بلى يا رسول الله
قال لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
١٣
ومما ينفع لوجع الراس ان يضع الجازم

يده على راس الوجيع ويقول بسم الله خير
الاسماء بسم الله رب الارض ورب السماء
بسم الله الذي اسمه بركة وشفاء بسم الله
الذي بيده الشفاء بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِيْ لَا يَضُرُّ
مَعَ اسْمِهٖ شَيْءٌ فِى الْاَرْضِ وَلَا فِى السَّمَاءِ ط
وَهُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ويكرر ذلك ثلاث
مرات او سبع مرات وروى عن بعض
الثقات انه قال اذا كنت في سفر فوجدت
الحرب فاقرع سورة اذا زلزلت واضرب
بيدك على الارض وارم بالتراب في وجه
الحرب وامسح بيدك على راسك ثم اقرأ
وَاضْرِبْ لَهُمْ طَرِيْقًا فِى الْبَحْرِ يَبَسًا لَّا
تَخَافُ دَرَكًا وَّلَا تَخْشٰى وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ

أيديهم سدا ومن خلفهم سدا فأغشيناهم فهم لا يبصرون. وقد سلف الراوي أيا ناسو كدرة أنه وجد الحرب نهارا فتنعل ذلك وقعد تحت شجرة فوصلوا إليه ولم يروه وقال بعضهم لبعض الساعة كان هٰهنا وروي عن بعضهم أنه قال من أراد سفرا وأحب السلامة فيه من كل محذور فليصل ركعتين يقرأ في الأولى الفاتحة وقل يا أيها الكافرون وفي الثاني الفاتحة وقل هو الله وبعد السلام يقرأ سورة لإيلاف ثم ليقل أنت الصاحب في السفر والخليفة في الأهل والمال والولد فاصحبني في سفري هذا بالسلامة والعافية واخلفني

في اهلي ومالي وولدي بخير يا ارحم الراحمين
اقول لو قال اللهم يسر لنا امورنا الى ولا
المجئ الينا كان مثل ذلك واذا قال المسجون
او المأسور ما شاء الله كان ولا حول ولا
قوة الا بالله العلي العظيم حسبنا الله
ونعم الوكيل الفرصة في مجلس واحد خلصه
الله تعالى معجلاً قلت لو قال مكان حسبنا
الله نعم الوكيل حسبي الله لا اله الا هو
عليه توكلت وهو رب العرش العظيم
كان مثل ذلك كريمة فان تولوا فقل
حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو
رب العرش العظيم خاصية هذه الاية
انها تعطف القلوب المعرضة على من

ارضوا عنه ويعصم من كيد الحاسدين فمن قرأها
ليلة الجمعة نصف الليل ثلثين مرة وقال في
آخر كل مرة اللهم انت يا رب حسبي على
فلان بن فلانة او فلانة بنت فلانة واعطف
قلبه او قلبها على وذلله او ذللها لي فان
الله يعطف قلبه عليه ويذلله وعن بعضهم
قال حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت و
هو رب العرش سبع مرات في المساء يكفيه
الله تعالى ما اهمه صادقا او كاذبا تم
ملخص كتاب الجواهر للشيخ ولي الله
قدس سره وقد كان الشيخ الفه في اربعينه في شهر
رمضان سنه الف ومائة وخمس وستين
وقد تم تلخيصه في ذي الحجة سنه الف ومائة

وثمان وثمانين من يد القاضي ثناء الله
قدس سره و ثانيا في سنة اثنين وستين
بعد الالف والمائتين من يد جامع هذا الاوراق
ابي الخير محمد عبد المجيد وفقه الله في
استباق ما عنده باقي الكون اختتام اين حزب
حسب ارقام حضرت قاضی ثناء الله كه از شیخ خود
مد ظله العالی اخذ کرده میشویم و آن اینست یا الله یا نور
یا حق یا مبين اكسني من نورك وعلمني من علمك
وفهمني عنك واسمعني منك وابصرني بك انك
على كل شيء قدير ترجمه ای ذات جمع جميع
صفات کمال ای نور روشن کننده ممکنات ای حق
ثابت بذات خود وای مبين ظاهر کننده جميع ممکنات
از پرده عدم واشیای خفیه در علم بپوشان مرا از نور خود

در عالم خود مرا از علم خود و تنهایی و دور مرا از تقوی و شنوا مرا از تقوی
در تمام حقایق اشیا توجه به حق که قهر بر هر چیز قادری یا سمیع
یا علیم یا حلیم یا علی یا عظیم یا سمیع دعای مخصوص
نطقت آمین آمین ترجمه ای شنوا ای دانا
ای بردبار ای بلند مرتبه ای بزرگ بشنو دعای من بخاص
در بانی خود قبول کن این دعا را قبول کن قبول کن اعوذ
بکلمات الله التامات کلها من شر ما خلق ترجمه
پناه میجویم بکلمات حق تعالی که تمام و کامل اند بهمه آنها از
بدی آنچه آفریده است فایده شر را خلق شامل است
بلائکه عذاب و نحوست نجوم و شر آدمیان و شیاطین
و جان و جانوران و سموم نباتات و غیره پس این دعا
صالح آنست که آنچه در بسم الله الذی لا یضر مع اسمه
شی گفته شده اینجا هم جاری باشد یا عظیم السلطان

یا قائم الاحسان یا دائم النعیم یا باسط الرزق
یا واسع العطایا یا دافع البلایا یا حاضر الیس
بغائب یا موجودا عند الشدائد یا خفی الالطف
یا لطیف الصنع یا حلیما لا یعجل اقض حاجتی
برحمتک یا ارحم الراحمین ترجمہ ای بزرگ
تملب ای از قدیم احسان کنندہ ای ہمیشہ نعمت دہندہ
ای فراخ کنندہ روزی ای کشادہ بخشش کنندہ ای
دفع کنندہ بلاہا ای آنکہ حاضر است ہیچگاہ غائب نیست
ای آنکہ موجود است نزد سختیہای پوشیدہ مہربانی کنندہ ای
پاکیزہ کاری ای بردبار کہ جلدی نمیکند در گرفتن گنہگار بر آر حاجت
من بمہربانی خود ای مہربان ترین مہربانان اللّٰھم انی
اعوذ باسمک المخزون المکنون السلام المتزک
القدوس المقدس المطہر الطاہر یا دہر یا دہور

یا دیموس یا ازل یا ابد یا من لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد یا من لم یزل یا هو یا من لا اله الا هو یا من لا یعلم ما هو الا هو یا کان یا کینان یا روح یا کائن قبل کل کون یا مکون لکل کون یا کائن بعد کل کون آهیا شراهیا ادونی اصباؤت یا جلیل عظائم الامور سبحانک علی حلمک بعد علمک سبحانک علی عفوک بعد قدرتک ترجمه ای که همیشه باقی ازلی یعنی پیش از همه وابدی یعنی بعد از همه و آنکه نه زائیده است و نه زائیده شده و نیست او را هم‌جنس کسی ای کسیکه همیشگی دارد و ای آنکه غیر او مخلوق بودی تو خبر دار بدای آنکه نیست هیچ معبودی مگر او ای آنکه نمیداند کنه او را مگر او ای ثابت و متحقق بذات خود ای آنکه عالم را شکل بخشیدست قالب را ای آنکه بود پیش از هر موجود ای آنکه باشد بعد هر موجود ای چهار اسم سریانی اند یا عبرانی

ای روشن کنندۂ چیزہای بزرگ پاکی است مرترا بہ یاد بحقیقت
باوجود دانستن تو پاکی است مرترا بر بخشش تو باوجود توانائی تو
فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو
رب العرش العظیم ترجمہ پس اگر روگردانی کنند کفار ای محمد
پس بگو حسبی الله الخ معنی این گذشته است لیس کمثله
شیء وهو السمیع العلیم ترجمہ نیست مانند او چیزی او است
شنوا دانا اللهم صل وسلم وبارک علی سیدنا محمد
وعلی آل سیدنا محمد کما صلیت وسلمت وبارکت و
رحمت علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم انک حمید مجید
ترجمہ ای بار خدایا درود یعنی رحمت و ارادہ خیر کن و سلامت
از مکروہات دارین و برکت در ثواب اعمال و درجات بفرست
بر سیدنا محمد و آل محمد چنانچہ درود و سلام و رحمت و برکت فرستادہ
بر ابراہیم و آل او کہ انبیا و صلحا باشند فائدہ درود بعد از دعا

سنت دعا است حضرت عمر رضی الله عنه گفته که دعا معلق میانه
درمیان آسمان زمین و بالا نمیرود تا که درود نفرستی بر پیغمبر
و حضرت علی رضی الله عنه فرمود که دعا محجوب است تا که درود
فرستاده شود بر نبی و آل او و باید دانست که این اختتام بتمامه
بهتر از آمین است و دعای حزب البحر را فائده میگویند یعنی شاه
علیه الرحمة والرضوان که چون حضرت پیر دستگیر من سلمه الله تعالی
این فقیر را دعای حزب البحر تعلیم فرمودند فرمودند که هر که این دعا را
۹۹۸
نهصد و نود و هشت بار بخواند داخل اولیاء الله شود و در زمره اولیا
محشور گردد و طریق دعوت و زکوة همین فرمودند که شاه ولی الله
قدس سره نوشته اند مگر آنکه فرمودند بعد غسل باشد تا ختم بغسل
[illegible] پوشد و فرمودند اگر کسی وظیفه خود سازد یکبار بعد فجر و یکبار بعد
عصر همیشه علی الدوام خواند او را احتیاج زکوة نیست و فرمودند که
و خواندن این دعا چون بکلمه اللهم یسر لنا امرنا رسد مطلب خود

ده دل حاضر سازد وچون بکلمهٔ بوالمس علی وجوه اعدائنا
رسد بجهت چپ اشاره بسوی المدا کند وکلمهٔ شبیهٔ الضمیر بنا
وتنزیل العزیز الرحیم یعنم لا امر وخیر حفظا بصیغهٔ مصدر ودر
اعتصام ابن شمس عملی مشام سوبهٔ المبارک موافق قرارهٔ شعبه بخوانند
وهفت حم بدین طور خوانند اول حم بسوی مقابل دوم بسوی
دست راست سوم بدست چپ چهارم بطرف پشت
پنجم بطرف پائین وششم بطرف بالا ورو کرده بخوانند بعده این دعا
خوانند رفعت بامر الله تعالی کل بلاء وقضاء یجیء
من هذه الجهات الست تامن باذن الله تعالی
من جمیع الآفات والعاهات یعنی دور کردم بحکم
خدا تعالی هر بلائی وقضائی را که آید ازین اطراف شش گانه
این جا یم بحکم خدائی برتر از جمیع آفتها ومصیبتها بار بخوانند حم مفتم
واشاره کند بآن جهت دافع آفتهائی که درین اینکس نرسد
بمی آرمن بزنید

بعد ازان بخوانند ختم الاذکر دعا تا تمام کنند چون بکلمه یقبض
رسد یک یک انگشت از خنصر تا ابهام بهر حرف قبض کنند چون
کلمه حمعسق خوانند همان قسم بکشایند و کلمه حسبی الله الی العظیم
هفت بار بخوانند و کلمه بسم الله الذی لا یضر تا علیم سه بار خوانند
در اختتام چون سه بار آمین گویند هر بار دست خود بر زمین زنند
والله اعلم چه حقیقت و ذکر و باشد آن چون حزب البحر یکبار
خوانند اعتصام یکبار خوانند قبل تبیین در آخر اختتام نیز یکبار خوانند
والله اعلم بالصواب و الیه المرجع والمآب

تتمه

الحمد لله علی احسانه که مجموعه حزب البحر با ترجمه اردو مع اعتصام و اختتام
و از دعا و دیگر ادعیه نافعه و شرح فارسی آن مؤلفه جناب مولانا الحاج خلیل احمد
ابو الخیر صاحب مرحوم محمد عبد المجید خان صاحب حسب همت آقا باهتمام ابی جعفر محمد عبد الرحمن ابن حسین
بن حاجی محمد روشن خان سیر پور و تربیت یافته خدمت سید معظم محمد مصطفی خان توقع

در مطبع نظامی واقع شہر کانپور باوائل صفر ۱۲۹۴ھ مطبوع گردید

اطلاع

واضح ہو کہ جو شرح فارسی حزب البحر حاوی فوائد عجیبہ مطالب غریبہ پر تھی لہذا بنظر مزید اشاعت اون فوائد کے اسکو بھی آخر حزب البحر مترجم مین بڑھا دیا تا عموماً جملہ طالبان اردو فہم وشائقان فارسی دان اون فوائد وخواص سے مطلع ہو کر کامیاب ہوون اور اپنے اپنے مطالب دلی ومقاصد قلبی کو پہونچکر اس مہتمم داعی کو دعائے خیر وایمن سے یاد فرماوین۔

اشتہار

یہ کتاب حسب منشاء قانون بستم ۱۸۴۷ء داخل بہی رجسٹر گورنمنٹ ہو گئی ہے لہذا کوئی صاحب بغیر اجازت مہتمم مطبع کے قصد چہاپنے کا نفرماوین اگر منظور ہو تو مطبع نظامی کانپور سے طلب کر لیجئے

وما علینا الا البلاغ

فہرست کتاب حزب البحر با ترجمہ اردو

فہرست کتاب شرح فارسی حزب البحر

تتمه بیان خواص حزب البحر

تمت

Accession No.

فضائل سورۂ یٰس

بسم اللہ الرحمن الرحیم

حضرت انس رضہ سے روایت ہے کہ کہا فرمایا رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم نے ہر چیز کے لیے دل ہے اور دل قرآن کا یٰس ہے اور جسنے پڑھی یٰس لکھتا ہے اللہ تعالیٰ اوسکے لیے ثواب دس بار قرآن پڑھنے کا اور فرمایا آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم نے کہ جسنے پڑھی یٰس رات کو واسطے طلب رضای اللہ تعالیٰ کے بخشے گا واسطے اوسکے گناہ اوس رات میں اور فرمایا آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم نے کہ جو شخص سورۂ یٰس پڑھے ہر رات کو پھر مرے تو مریگا شہید اور فرمایا آپنے کہ جسنے پڑھی یٰس اول روز میں تو پوری کیجاتی ہیں سب حاجتیں اوسکی اور ابو قلابہ رضہ سے کہ کبار تابعین سے ہیں روایت ہے کہ کہا کہ جو کوئی پڑھی یٰس مغفرت کیجاوے اوسکے لیے اور جو کوئی پڑھی اسکو اس حال میں کہ وہ بھوکا ہو سیر ہو اور جو کوئی اسکو اس حال میں پڑھی کہ وہ راہ بھولا ہوا ہو راہ پاوے اور جو کوئی پڑھی اسکو

اس حال میں کہ کوئی چیز اوسکی جاتی رہی ہو پالیوے اوسکو اور جو
کوئی پڑھی اسکو وقت کھانے کے کہ ڈرتا ہو قلت اوسکی سے کفایت
کرے اوسکو اور جو کوئی پڑھی اسکو نزدیک قریب المرگ کے نہایت
حقیقی سکے آسانی کیجاوے اوسپر اور جو کوئی پڑھے اسکو نزدیک
عورت کے کہ دشوار ہو بچے کا ہونا اوسپر آسانی کیجاوے اوسپر اور
جو کوئی کہ پڑھے اسکو پس گویا کہ پڑھا قرآن گیارہ بار اور ہر چیز کے
لیے دل ہے اور قرآن کا دل یٰس ہے روایت کی یہ بیہقی نے
شعب الایمان میں اور روایت کی حاکم اور بیہقی نے ابی جعفر محمد بیٹے
علی کے یعنی امام زین العابدین رض سے کہ کہا جو شخص پاوے اپنی دل میں
سختی یعنی سنگدلی پس چاہیے کہ لکھے یٰس والقرآن الحکیم الی آخرہ
پیالے میں ساتھ زعفران کے پھر پی لے اوسکو تمت

وصه مهر و دستخط بر خاتمه
براے رفع شبہ یعنی کہ این کتاب مطبوع مطبع نظامی
مهر و دستخط مهتمم ثبت نموده شد

محمد روشن خان حنفی
محمد عبد الرحمن

العبد

عبد ... بن حاجی محمد روشن خان حنفی بقلم خود